

افسانه سوره‌های نورین و ولایة

فتح الله نجارزادگان

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

دو سوره نورین و ولایة با تلفیق پریشان و ناشیانه‌ای از آیات قرآن و در عباراتی سست و مغلوط درباره وصایت و مناقب امام علی (ع) ساخته شده است. پس از تحقیق فراوان، معلوم گردید این دو سوره در قرن ۱۱ق. در هندوستان توسط عده‌ای ناشناس جعل و نشر شده است. تنها منبع شیعی که از این دو سوره یاد می‌کند، کتاب تذکرة الأئمة از آثار قرن ۱۲ق. است که مؤلف آن منبع خود را ذکر نمی‌کند. بنابراین ادعای برخی خاورشناسان و سلفیان در این که شیعه آن دو سوره را از متن قرآن دانسته و می‌پندارد که در زمان جمع آوری قرآن توسط عثمان از قرآن فروافتاده است و هم اکنون در مصحف امام علی (ع) موجود است، بی اساس و فاقد هر نوع مدرکی است.

کلید واژه‌ها: سوره نورین، سوره ولایة، تحریف ناپذیری قرآن، تذکرة الائمة، مثالب النواصب.

بررسیهای قرآن‌پژوهان و فرهیختگان درباره دو سوره نورین و ولایة تا زمانی که در حوزه تخصصی خود قرار دارد مشکل ساز نیست. به ویژه اگر تقوای علمی در این مباحث رعایت شود. زیرا هر کس حق دارد به طرح و بررسی موضوعات مربوط به قلمرو کار خود پردازد و نتایج آن را در حوزه تخصصی خود عرضه کند. اما طرح و نشر این دو سوره در بیرون از حوزه‌های تخصصی قرآن‌پژوهان، در کتاب‌های متعدد و

مجله‌های گوناگون با ادعاهای بدون مدرک و سند همچون: رواج این دو سوره در مجامع شیمی و استنتاج تحریف قرآن (به نقیصه) از آنها (گلدزیهر، ۲۹۴ - ۲۹۵) و یا وجود سوره نورین در مصحف امام علی علیه السلام و حذف آن از سوی عثمان (دروزه، ۲۸؛ دراز، ۳۹ و ۴۰) و یا حتی فراتر از اینها، ادعای وجود مصحف سری در میان شیعه به دلیل این دو سوره (خطیب، ۱۲؛ ققاری، ۱/۲۵۵ و نیز <http://hussain1.net/Agame.doc>) بدون شک بیرون از حوزه پژوهش است و موجب تردید افراد بیشمار درباره حقانیت قرآن شده، ناخواسته پیامدهای زیانبار خود را در اذهان بر جای می‌گذارد (برای مثال نک: حاج سید جوادی، ۳-۸۰).

نگاهی به ساختار و محتوای سوره نورین و ولایة

آهنگ کلی این دو سوره درباره وصایت و امامت اهل بیت، به ویژه امام علی (ع)، و نیز کجروی و ارتداد مخالفان آنان و تهدید آنها به عذاب الهی است. اینک متن این دو سوره:

سوره نورین

این سوره در ۴۱ بند بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِالنُّورِينِ أَنْزَلْنَاهُمَا يَتْلُوَانِ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُحَذِّرَانَكُمْ عَذَابِ يَوْمِ عَظِيمٍ (۱) نوران بعضهما من بعض و أنا السميع العليم (۲) إِنَّ الَّذِينَ يوفون بعهد الله ورسوله في آياتٍ لهم جناتٍ نعيم (۳) وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا آمَنُوا بِنَقِضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَمَا عَاهَدَهُمُ الرَّسُولَ عَلَيْهِ يُقَدِّفُونَ فِي الْجَحِيمِ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَعَصَوْا وَصِيَ الرَّسُولِ أَوْلَئِكَ يُسْقَوْنَ مِنَ حَمِيمٍ (۴) إِنَّ اللَّهَ الَّذِي نَوَّرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِمَا شَاءَ وَاصْطَفَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَجَعَلَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۵) أَوْلَئِكَ فِي خَلْقِهِ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۶) قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ بِرَسُولِهِمْ فَآخَذْتَهُمْ بِمَكَرِهِمْ إِنَّ أَخَذَى شَدِيدٌ أَلِيمٌ (۷) إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ عَادًا وَثَمُودَ بِمَا كَسَبُوا وَجَعَلَهُمْ لَكُمْ تَذَكْرَةً فَلَا تَتَّقُونَ (۸) وَفِرْعَوْنَ بِمَا طَغَى عَلَى مُوسَى وَأَخِيهِ هَارُونَ أَغْرَقْتَهُ وَمَنْ تَبِعَهُ أَجْمَعِينَ (۹) لِيَكُونَ لَكُمْ آيَةً وَإِنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (۱۰) إِنَّ اللَّهَ يَجْمَعُهُمْ فِي يَوْمِ الْحَشْرِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ الْجَوَابَ حِينَ يَسْتَلُونَ (۱۱) إِنَّ الْجَحِيمَ مَأْوَاهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۲) يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ أَنْذَارِي فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۱۳) قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَانُوا عَنْ

آیاتی و حکمی معرضون (۱۴) مثل الذین یوفون بعهدک إتی جزیتهم جنات النعیم إن الله لذو مغفرةٍ و أجرٍ عظیم (۱۵) و إن علیاً من المتقین (۱۶) و إنا لنوفیه حقّه یوم الدین ما نحن عن ظلمه بغافلین (۱۷) و کرمناه علی أهلك أجمعین (۱۸) فآته و ذریته لصابرون (۱۹) و إن عدوهم إمام المجرمین (۲۰) قل للذین کفروا بعد ما آمنوا أطلبتم زینة الحیوة الدنیا و استعجلتکم بها و نسیتم ما وعدکم الله و رسوله و نقضتم العهود من بعد توکیدها و قد ضربنا لکم الأمثال لعلکم تهتدون (۲۱) یا ایها الرسول قد أنزلنا إلیک آیات ینبأ فیها من یتوفاه مؤمناً و من یتولیّه من بعدک یمظهورون (۲۲) فاعرض عنهم إثمهم معرضون (۲۳) إنا لهم مُحضرون فی یوم لا یغنی عنهم شیءٌ و لا هم یرحمون (۲۴) إن لهم فی جهنم مقاماً عنه لا یعدلون (۲۵) فسبح باسم ربک و کن من الساجدین (۲۶) و لقد أرسلنا موسی و هرون بما استخلف فبغوا هرون فصبیرٌ جمیلٌ (۲۷) فجعلنا منهم القردة و الخنازیر و لعناهم إلی یوم یموتون (۲۸) فاصبر فسوف یمصرون (۲۹) و لقد آتینا بک الحکم کالذین من قبلك من المرسلین (۳۰) و جعلنا لک منهم وصیاً لعلهم یرجعون (۳۱) و من یتولّ عن امری فإنی مرجعه فلیتمتعوا بکفرهم قلیلاً فلا تسئل عن الناکثین (۳۲) یا ایها الرسول قد جعلنا لک فی أعناق الذین آمنوا عهداً فخذّه و کن من الشاکرین (۳۳) إن علیاً قانت باللیل ساجداً یحذر الآخرة و یرجو ثواب ربّه قل هل یتوی الذین ظلموا و هم بعدابی یعلمون (۳۴) سیجعل الأغلال فی اعناقهم و هم علی أعمالهم یندمون (۳۵) إنا بشرناک بذریته الصالحین (۳۶) و إنهم لإمرنا لا یخلفون (۳۷) فعلیهم متی صلواتٌ و رحمةٌ أحياءٌ و أمواتاً یوم یموتون (۳۸) و علی الذین یموتون علیهم من بعدک غضبی إنهم قوم سوء خاسرین (۳۹) و علی الذین سلکوا مسلکهم متی رحمةٌ و هم فی الغرفات آمنون (۴۰) و الحمد لله ربّ العالمین (۴۱)»

برای قرآن پژوهان و نیز اندک آشنایان با محتوا و فصاحت و بلاغت قرآن، ساختار مغلوپ و محتوای بی‌مایه این دو سوره دلیلی روشن برای حکم به ساختگی و بی‌پایگی آنهاست و هر کس با دید انصاف به آنها نگرسته بدون تردید بر جعلی بودن آنها حکم کرده است (نک. آشتیانی، ۱۰۱؛ شهرستانی، ۴۶؛ الدجوی، ۱۷۴؛ بلاغی، ۲۴ و جز آن). به طور نمونه، در نخستین بند سوره نورین به مؤمنان فرمان می‌دهد به دو نوری که فرود آمده‌اند تا آیات خدا را تلاوت کنند ایمان آورند. مراد از این دو نور فرود آمده چیست؟

آیا معنای معقول و محصلی برای این جمله‌ها می‌توان یافت؟ در بند ۵ می‌خوانیم: «از فرشتگان برگزید و از مؤمنان قرار داد، ایشان در خلق و آفرینش اویند!!» [کذا] برای چه فرشتگان را برگزید؟ و اصلاً «مؤمنان را قرار داد» با «آنان در خلق اویند» چه معنی دارد؟ یا در بند ۲۷ می‌گوید: «موسی و هارون را فرستادیم برای آنچه را که جانشین کرد (یا به آن چه که جانشین شد) پس ستم کردند هارون را پس کار او صبر جمیل بود (یا او را صبر جمیل بود!!)». این عبارات به چه معناست؟! یا در بند ۳۰ که می‌گوید: «ما به تو همچون رسولان پیش از تو حکم دادیم و شاید برگردند چه معنایی دارند؟ مرجع ضمیر در لعلم و يرجعون چیست؟ و نیز در بند ۳۳ می‌خوانیم: «ای پیامبر، برای تو بر عهده مؤمنان عهد و پیمانی قرار دادیم آن را بگیر و از شاکران باش». چگونه پیامبر عهدی را که به عهده مؤمنان و در اراده و اختیار آنان است، اخذ کند و شاکر آن باشد!! شاید این عبارت با تقلید از آیه شریفه ۱۴۴ سوره اعراف ساخته شده که در آن خطاب به موسی (ع) می‌فرماید: ... یا موسی اِنِّی اصْطَفَیْتُکَ عَلَی النَّاسِ بِرِسَالَتِی وَبِکَلَامِی فَخُذْ مَا آتَیْتُکَ وَ کُنْ مِنَ الشَّاکِرِیْنَ وَ کَتَبْنَا لَهُ فِی الْاَلْوَاحِ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ... در این آیات امر به برگرفتن الواح و سپاس این نعمت را نهادن، قابل درک و معقول است. و باز در بند ۳۴ می‌خوانیم: «علی شب زنده دار است، سجده می‌گزارد، از آخرت می‌هراسد و امید به پاداش پروردگارش دارد بگو آیا آنان که ستم کردند و آنان که به عذاب من آگاهند مساوی هستند!!» در اینجا عبارت «هل یستوی الذین ظلموا» چه جایگاهی دارد؟ وجه مناسبت آن با ادامه عبارت چیست؟ شاید کسی که این عبارات را ساخته در ذهن خود آیات ۱۱ و ۱۲ سوره زمر را داشته است که می‌فرماید: هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون و می‌خواسته از این آیه الگوبرداری کند بی آن که به سبک و سیاق آن آشنا باشد، غافل از این که این آیه در مقام استفهام انکاری است؛ قرآن برای مقایسه آنان که برای خداوند از روی جهل و عناد شریک قرار دادند تا مردم را از راه بیرون برند با کسانی که در شبانگاه در پیشگاه خداوند فروتنی دارند و چشم امید به رحمت او دوخته‌اند، می‌فرماید: هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون اما در آن عبارات ساختگی سخیف استفهام انکاری چه

موردی دارد؟!

سوره ولایة

این سوره نیز در ۷ بند بدین گونه است:

«یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالنبی و بالولی الذین بعثناهما یهدیانکم الی صراط مستقیم (۱) نبی و ولی بعضها من بعض و أنا العلیم الخبیر (۲) إن الذین یوفون بعهد الله لهم جنات النعیم (۳) و الذین إذا تلیت علیهم آیاتنا كانوا بآیاتنا مکذبین (۴) إن لهم فی جهنم مقاماً عظیماً إذا نودی لهم یوم القیمة این الظالمون المکذبون المرسلین (۵) ما خلقهم المرسلین إلا بالحق و ما کان الله لینظرهم الی أجل قریب (۶) و سبح بحمد ربک و علی من الشاهدین (۷)».

در این سوره غلطهای فاحش و عبارتهای بی معنا مانند برانگیختن «ولی» در بند اول، و نیافریدن پیامبران جز به حق و مهلت ندادن خداوند به آنان و ترکیب دستور به تسبیح پروردگار با گواه بودن امام علی (ع) در بندهای آخر همه حکایت از جعل این سوره از سوی افرادی ناآشنا به بافت و محتوای قرآن دارد.

به هر حال هر کس در دلایل تحریف ناپذیری قرآن درنگ کند و نیز در عبارات پریشان این دو سوره بنگرد به روشنی بر جعلی بودن این دو سوره حکم می‌کند و نیازی به بحث دیگر نمی‌بیند. البته این نکته اختصاص به این دو سوره جعلی ندارد بلکه پس از نزول قرآن هر کس کوشیده با قرآن هم‌وردی کند و سوره‌ای مانند قرآن بسازد سرانجام کارش به رسوایی و استهزا رسیده است و این به سبب آن است که قرآن مانند ناپذیر است و محتوای بلند و ساختار زیبایی با هیچ متنی قابل مقایسه نیست.

این مقاله تنها به بررسی تاریخی مدارک و اسناد این دو سوره نظر دارد تا قرآن‌پژوهان را به خاستگاه جعل این دو سوره واقف کند، به ادعاهای گزاف و غیر منصفانه وجود این دو سوره در مصحف امام علی (ع) پایان دهد و نشان دهد اثری از این دو سوره تا پیش از قرن ۱۱ ق. در منابع و مدارک شیعی (و غیر شیعی) نیست و سرانجام بی‌پایگی پندار کسانی را که به تحریف قرآن گرویده‌اند، بر ملا کند.

سوره‌های نورین و ولایه در گزارش‌ها و پژوهش‌های خاورشناسان

گزارش‌ها و پژوهش‌های خاورشناسان درباره منابع و آسانید سوره‌های ولایه و نورین به این شرح است:

الف: نولدکه^۱ (۱۰۰ - ۱۰۳) در کتاب «تاریخ قرآن» خود که به زبان آلمانی است به نقل از کتاب دبستان مذاهب از سوره نورین یاد کرده و متن آن را در ۴۳ بند آورده است. ب: گلدزیهر^۲ (۲۹۴ - ۲۹۵) با تفصیل بیشتری به این مطلب پرداخته و می نویسد: «شیعه از آیاتی که ادعا می کنند از برخی از سوره های قرآن ساقط شده نشانی بدست نمی دهد، و به جای آن سوره هایی را می آورد که به طور کلی از قرآن عثمانی اقرآن موجود ساقط شده اند. شیعه گوید: دست اندرکاران تدوین مصحف عثمانی این سوره را به خاطر آن که مشتمل بر فضایل علی (ع) است از قرآن برانداخته اند. برای نخستین بار در سال ۱۸۴۲ م. گارسن دو تاسی^۳ و میرزا کاظم بیگ سوره ای از این گونه را که در جوامع شیعه متداول است در مجله آسیایی (۱۸۴۲ م) نشر دادند. چندی پیش نیز در کتابخانه بانکیپور هند نسخه ای از قرآن پیدا شد که مشتمل بر سوره نورین با ۴۱ آیه و سوره ولایه با ۷ آیه بود... این دو سوره درباره مولات علی (ع) و پیشوایان پس از اوست. کلرتیسدال^۴ تمام این موارد را یکجا به زبان انگلیسی نشر داده است. این موارد بیانگر تداوم اندیشه شیعه درباره وجود تحریف در نص قرآن عثمانی است.»

براساس گفته گلدزیهر دو سوره ای که دو تاسی و کاظم بیگ منتشر کرده اند، در جوامع شیعی متداول است و این دو سوره غیر از آن دو سوره ای است که در نسخه ای از قرآن یافت شده و کلرتیسدال آن را نشر داده است. وی بدون هیچ مدرکی ادعا می کند به نظر شیعه دست اندرکاران تدوین مصحف عثمانی این سوره ها را به خاطر آن که مشتمل بر فضایل علی (ع) است از قرآن برانداخته اند.

پرسش هایی که اینک می باید به آنان پرداخته شود عبارت است از:

۱. به گفته عبدالرحمن بدوی نولدکه «شیخ المستشرقین» آلمان به شمار می آید (سجستانی، مصاحف، مقدمه، ۴). گلدزیهر (۴۰) نیز از وی با عنوان پیشوای بزرگ یاد می کند. برای آگاهی از شخصیت علمی و آثار وی نک. موسوعة المستشرقین، ۵۹۵: آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ۲ / ۴۹۶ به بعد.

2. Ignas Goldziher (1850 - 1921)

3. Garein de Tassy

4. W.st. Clair Tisdall

۱- منبع مورد استناد گارسن دوتاسی و کاظم‌بیک درباره این دو سوره چه بوده است؟
۲- آیا دو سوره‌ای که گارسن دوتاسی و کاظم‌بیک نقل کرده‌اند غیر از آن دو سوره ولایة و نورین است؟

۳- آیا کلرتیسدال که به گفته گلدزبهر تمام موارد ادعا شده در مورد تحریف قرآن را یکجا آورده از سوره‌های ساقط شده چیزی جز همان دو سوره را ذکر کرده است؟

پاسخ به این پرسش‌ها را می‌توان ب

ا مراجعه به منابعی که گلدزبهر از آنها یاد کرده یافت.

در سال ۱۸۴۲ برای نخستین بار گارسن دوتاسی در مجله (1842) Journal Asiatique (36-431 متن عربی و ترجمه سوره نورین را به زبان فرانسه منتشر کرد. وی منبع این سوره را اثری فارسی از قرن هفدهم میلادی برابر با یازدهم قمری موسوم به دبستان مذاهب نوشته یک ایرانی زردشتی ساکن هند یاد می‌کند (همان، 433). یک سال بعد میرزا اسکندر کاظم‌بیک، در همان مجله متن این سوره را براساس نسخه‌ای در ۴۳ آیه منتشر کرد و ترجمه دقیق‌تری از آن بدست داد (1843, 414-19). با مقایسه متن سوره نورین در این دو مجله خواهیم دید که هیچ تفاوتی در الفاظ آنها به چشم نمی‌خورد و این نشان می‌دهد که مأخذ «کاظم‌بیک» نیز همان کتاب دبستان مذاهب است^۱ که «دوتاسی» از آن نقل کرده است.

در ژوئیه ۱۹۱۳م کلرتیسدال در مجله The Moslem World (34-231) در مقاله‌ای تحت عنوان «اضافات شیعه بر قرآن» (Shiah additions to the Koran) افزون بر سوره نورین در ۴۲ بند (آیه) از سوره ولایة در ۷ بند (آیه) گزارش کرده و متن آنها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. وی درباره منبع خود برای این دو سوره می‌نویسد: «این دو سوره از نسخه خطی از قرآنی است که در قرن ۱۶ یا ۱۷م. در بانکپور هند گرفته شده است»^۲

۱. کاظم‌بیک در رفع این اتهام از شیعه دیدگاه شیخ صدوق (د ۳۸۶ ق.) را درباره صیانت قرآن از تحریف در باور شیعه نقل کرده است (همان، 407).

۲. تنها نشانی وی از این نسخه مجهول قرآن چنین است: این نسخه در ژوئن ۱۹۱۲ در بانکپور هند یافت شد. به گفته مسئول کتابخانه بانکپور این نسخه بیست سال پیش از شخصی به نام نواب در لکنهوی هند خریداری شده است، قدمت این نسخه حد اکثر ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال است (همان، 228).

(همان، 228).

تیسدال دربارهٔ متن این دو سوره می‌نویسد: «افرادی که با عربی آشنا نیستند می‌توانند جعلی بودن این دو سوره را به جز بخش‌هایی که از خود قرآن در آنها آمده، درک کنند. سبک جعلی این افزوده‌ها تقلیدی از قرآن است که به هیچ روی موفقیت‌آمیز نیست و خطاهای نحوی نیز در آنها به چشم می‌خورد.

متن سورهٔ نورین در نسخهٔ خطی که در دسترس من است در بسیاری از موارد با متنی که کائِن سل^۱ منتشر کرده متفاوت است. کائِن سل متن خود را از مقاله میرزا کاظم‌بیک در مجله آسیایی گرفته است» (همان، 230).

بنابراین بر فرض که آن نسخه از قرآن که در بانکپور هند یافت شده در قرن ۱۶ م. نگاشته شده باشد، قدمت این دو سوره به پیش از این سده میلادی نمی‌رسد و مواردی را که تیسدال ادعا می‌کند با متن کائِن سل متفاوت است، از قبیل اختلاف نسخه است که در نسخه‌های خطی، امری طبیعی است.

محمد صَبِيح ۱۵ بند از ۴۳ بند سورهٔ نورین را بدون ذکر منبع مورد استناد خود به همین نام آورده (دروزه، ۲۸) و بدون هیچ مدرکی ادعا می‌کند این سوره در مصحف علی (ع) وجود داشته و عثمان آن را برانداخته است (همو، ۲۹).

محمد جواد مشکور (۱۵۵) نیز می‌نویسد: «در هندوستان نسخهٔ مجعولی از قرآن پیدا شده که غیر از سورهٔ ولایة و سورهٔ نورین، سورهٔ دیگری مشتمل بر هفت آیه دربردارد که به زعم غلات شیعه سورهٔ ولایة علی و ائمه است».

دکتر مشکور در این جا مرتکب اشتباه شده است، چون سورهٔ دیگری غیر از دو سوره نورین و ولایة، به نام سوره ولایة و ائمه ذکر نشده است، مقایسهٔ متن سوره‌ای که دکتر مشکور آورده با سوره‌ای که لاهیجی (تذکرهٔ الائمة، ۱۹-۲۰) و کلر تیسدال (همان، 234) به نام سورهٔ ولایة نقل کرده‌اند نشان می‌دهد این دو سوره یکی است و مأخذ هر دو همان نسخهٔ بی‌نام و نشان از قرآن است که ادعا می‌شود در هندوستان یافت شده است.

بنابراین منبع و مدرک خاورشناسان و مشکور و دیگران درباره سوره نورین و ولایة چیزی جز کتاب دبستان مذاهب و نسخه‌ای از قرآن که گفته می‌شود در قرن ۱۷ م. نگاشته شده نمی‌باشد و مدرکی دیگر در این باره ارایه نکرده‌اند.

سوره نورین و ولایة در گزارش‌های سلفیان

در نگاشته‌های سلفیان (وهایان) تشبث به این دو سوره برای متهم کردن شیعه به تحریف قرآن فراوان است. نخستین کسی که از آنان در این موضوع سخن گفته، محمد بن عبد الوهاب (د ۱۲۰۶ ق.) است. وی می‌نویسد (۱۴ - ۱۵): «...گویند: شیعه در این زمان دو سوره از قرآن را که به زعم آنان، عثمان بن عفان پنهان کرده، به آخر مصحفی افزوده‌اند. یکی از آنها سوره نورین و دیگری سوره ولاء است».

پس از او پیروان وی همچون: شاه عبد العزیز دهلوی (۳۳)، علی احمد السالوس (۱۰۴)، محب الدین خطیب (۱۲)، موسی جارالله (۱۰۴)، دکتر ناصر علی القفاری (۲۵۵/۱)، محمد مال الله (۱۵۲)، احسان الهی ظهیر (۱۱۳)، دکتر احمد جلی (۲۲۶) براین اتهام پای می‌فشارند.

برخی از اینان همچون ناصر علی القفاری افزون بر اتهام شیعه به تحریف قرآن، می‌نویسد: «آنچه را که محب الدین خطیب و احمد کسروی شیعی از تصویر سوره ولایة منتشر کرده‌اند حکایت از مصحفی پنهانی و رواج آن در نزد اخباریان شیعه دارد» (۲۶۰/۱).

محب الدین خطیب (۱۲) از بحث درباره دو سوره ولایة و نورین نتیجه می‌گیرد که در بین شیعه دو قرآن رواج دارد: قرآن متعارف و قرآن خاص پنهانی که نزد خود شیعه است. مأخذ این گروه و نیز احمد کسروی (۳۰) چیزی جز کتاب دبستان مذاهب، تاریخ قرآن نولدکه، مذاهب التفسیر الاسلامی گلدزیهر، فصل الخطاب محدث نوری و تذکرة الائمة محمد باقر لاهیجی نیست. مدرک گلدزیهر درباره این دو سوره بررسی شد اما محمد باقر لاهیجی (۱۹ - ۲۰) نیز این دو سوره را بدون ذکر منبع و مدرک خود نقل کرده است؛ از سویی با مقایسه متن آنها با متنی که مؤلف دبستان مذاهب آورده، در می‌یابیم اختلاف آنها تنها در چند واژه است که به اختلاف نسخه مربوط می‌شود. مأخذ دیگران

تنها کتاب دبستان مذاهب است و محدث نوری (۱۸۰) نیز سورة نورین را با نام سورة ولایة از همین کتاب نقل می‌کند و می‌نویسد: «از ظاهر کلام مؤلف کتاب دبستان مذاهب برمی‌آید که وی این سوره را از کتاب‌های شیعه برگرفته است. ولی من هیچ اثری از این سوره در کتاب‌های شیعه نیافتم، جز آن چه که از کتاب المثالب ابن شهر آشوب مازندرانی نقل شده مبنی بر آن که مخالفان، سورة ولایة را از قرآن حذف کرده‌اند و شاید منظور وی همین سوره باشد».

متأسفانه محدث نوری در نقل نظر مؤلف دبستان مذاهب دقت کافی نکرده و نیز به قول کسانی که به ابن شهر آشوب چنین نسبتی داده‌اند بدون تحقیق اعتماد کرده است. مأخذ پیدایش سورة نورین چیزی جز تاریخ کتاب دبستان مذاهب که در قرن ۱۱ ق. تألیف شده نیست. تذکرة الائمة نیز که حدود یک قرن پس از آن نگاشته شده، این مطلب را از آن کتاب برگرفته است و نسخه مجهولی از قرآن نگاشته شده در قرن ۱۷ م. که به ادعای کلر تیسدال حاوی این سوره است نیز با توجه به تاریخ کتابت آن نسخه، احتمالاً از همین کتاب دبستان مذاهب اخذ کرده است. بنابراین تا پیش از دبستان مذاهب هیچ منبع و مدرکی برای سورة نورین وجود ندارد. سورة ولایة نیز تنها در آن نسخه مجهول از قرآن نگاشته شده در قرن ۱۷ م. موجود است و اثری از این دو سوره در هیچ کدام از منابع و مصادر شیعه از کتب اربعه متقدم و متأخر و به ویژه در منابعی که مظان طرح این بحث است،^۱ نیز در لابلای کلام کسانی که به پندار تحریف قرآن گرایش دارند^۲ و همینطور در کلام آنان^۳ که تا پیش از قرن ۱۱ ق. متعرض باورهای شیعه درباره قرآن شده‌اند و یا بر باورهای شیعه خرده گرفته و آنان را متهم به تحریف قرآن می‌کنند^۴ و سرانجام کسانی^۵

۱. برای مثال: کتاب منسوب به سلیم بن قیس، القراءات (که به اشتباه کتاب التزیل و التحریف نامیده می‌شود) از احمد بن محمد سیاری، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی.
۲. کسانی همچون ابو الحسن محمد بن احمد معروف به ابن شنبوذ بغدادی (۳۲۸ ق.)، از دانشمندان اهل سنت که پنداشته است عثمان پانصد حرف از قرآن را ساقط کرده است (قرطبی، ۸۰/۱؛ بغدادی، ۲۸۰/۱؛ مقدسی، ۱۸۶).
۳. همچون ابوالحسن اشعری (۱۱۹/۱).
۴. همچون ابن حزم اندلسی (۱۱۹)، میرزای شیرازی (قفاری، ۲۰۸/۱)، مطهر بن عبدالرحمن (قفاری، ۲۱۰/۱).

که در مقام دفاع از باورهای شیعه و رفع این اتهام و پاسخگویی به شبهات برآمده‌اند، ذکری از این سوره نرفته است.

محدث نوری نیز که در کثرت تتبع و گستردگی اطلاعات از منابع فریقین کم نظیر است اذعان می‌دارد اثری از این سوره در کتاب‌های شیعی یافت نمی‌شود. بنابراین چنان که گفته شد، نخستین منبع سوره نورین چیزی جز کتاب دبستان مذاهب از آثار قرن ۱۱ق. نیست.

کتاب دبستان مذاهب و سوره نورین

کتاب دبستان مذاهب از نویسنده‌ای ناشناس است که براساس تحقیقات رضا زاده ملک پژوهشگر این کتاب، در سال ۱۰۲۵ زاده شده و تا ۱۰۶۹ زنده بوده است. رضا زاده ملک پس از آن که با دلایل متعدد انتساب کتاب دبستان مذاهب را به محمد محسن فانی کشمیری سست و غیر واقعی می‌شمارد (نک. کیخسرو، ۱ / ۲۲) به ذکر ادله و بررسی قراین و شواهد گوناگون می‌پردازد و از آنها چنین نتیجه می‌گیرد (همان، ۲ / ۴۶-۵۸): «همه این قراین و شواهد کافی است تا از بن دندان معتقد شویم مؤلف دبستان مذاهب یکی از پیروان پر و پا قرص آذر کیوان و آیین دساتیری است، آن هم معتقدی مورد احترام سایر آذر کیوانیان و وی کسی جز موبد کیخسرو اسفندیار فرزند آذر کیوان نیست».

وی در ادامه بحث درباره انگیزه تألیف کتاب دبستان مذاهب می‌نویسد: «مؤلف دبستان خود داعیه‌دار آیینی ساختگی و قلابی بوده و غرض اساسی‌اش، بدون آن که اظهار کند، سست کردن پایه‌های اعتقادی متدینین ادیان دیگر و کشاندن آنها در جرگه معتقدان خود بوده است».

کتاب دبستان مذاهب نخستین بار توسط انگلیسیان معرفی و به انگلیسی ترجمه شده است (همان / صفحه ۵۸ د). نخستین چاپ فارسی این کتاب به کوشش ویلیام بیلی، سفیر

۵. همچون شیخ ابوجعفر صدوق (۸۱)، شیخ مفید (۸۳-۸۴)، سید مرتضی (۳۶۳)، شیخ طوسی (التبیان، ۳/۱)، شیخ طبرسی (۱۵/۱)، علی بن طاووس (۱۴۴)، علامه حلی (۱۲۱)، شیخ زین الدین عاملی بیاضی (۴۵)، قاضی نور الله شوشتری (۲۵/۱).

انگلستان در هندوستان همزمان با تسلط کمپانی هند شرقی بر این منطقه صورت گرفته است (همان) و نیز همان طور که ملاحظه گردید در نخستین شماره از مجله‌ای که درباره منطقه آسیایی و جهان اسلام به چاپ رسیده، متن این سوره را به عنوان سوره‌ای که شیعی است و از تحریف قرآن در باور شیعه حکایت دارد، منتشر کرده‌اند. گویی این اندیشه استعمارگرایانه Divide and Rule (تفرقه بیانداز و حکومت کن) بر این ماجرا حاکم است؛ همان طور که آنان در آن عصر، در ایران و هند به دین‌سازان بی‌مایه کمک کردند تا افکارشان تحت عنوان بایبه و بهائیه رونق بگیرد و با ایجاد تفرقه و سست کردن پایه‌های اعتقادی مردم به غارت اموالشان ادامه دهند. عبارات دبستان مذاهب درباره سوره نورین نیز انگیزه مؤلف کتاب را برملا می‌سازد، وی تحت عنوان «در ذکر مذهب اثنا عشریه» می‌نویسد: «از ملا محمد معصوم و محمد مؤمن تونی و ملا ابراهیم که در هزار و پنجاه و سه در لاهور بوده‌اند و از جمعی دیگر، آنچه نامه‌نگار [مراد خود مؤلف دبستان است] شنیده و دیده می‌آورد» (همان، ۱/ ۲۴۴). مؤلف سپس به ذکر برخی از باورهای امامیه می‌پردازد و آن‌گاه درباره سوره نورین می‌گوید: «و بعضی از ایشان گویند که عثمان مصاحف را سوزاند و بعضی از سوره‌ها که در شأن علی (ع) و فضل آتش بود برانداخت و یکی از آن سوره‌ها این است» (همان، ۱/ ۲۴۶). آنگاه متن اسطوره را در ۴۲ بند [آیه] می‌آورد.

مؤلف دبستان درباره این که این بعض از شیعه چه کسانی‌اند، از کدام منبع چنین خبر داده‌اند و سند آنان چیست، هیچ نمی‌گوید. بنابراین می‌توان احتمال داد که مؤلف دبستان مذاهب برای سست کردن پایه‌های اعتقادی متدینان به مدارکی مغرضانه و بی پایه استناد کرده است. به علاوه از این عبارت کتاب دبستان مذاهب لغزش محدث نوری آشکار می‌شود. محدث نوری (۱۸۰) می‌گفت: «ظاهر کلام دبستان مذاهب این است که وی از کتاب‌های شیعه این سوره را نقل می‌کند» و حال آن که خود نویسنده دبستان می‌گوید: «بعض از ایشان گویند...» نه آن که از کتابی نقل کرده باشد.

ابن شهر آشوب و سوره ولایه

نسبتی که دیگران به کتاب المثالب تألیف محمد بن علی شهر آشوب داده‌اند و

محدث نوری از آنها نقل می‌کند، کاملاً بی‌اساس و بدون مطالعه است. هر چند محدث نوری (۱۸۰) تعبیر «علی ما حکمی عنه» را به کار می‌برد که نشان می‌دهد خود او کتاب المثالب را ندیده است لیکن این کتاب امروز در نزد ماست و در آن اثری از عبارت برانداختن سوره ولایه به چشم نمی‌خورد. افزون بر آن، ابن شهر آشوب به روشنی دیدگاهش را درباره سلامت قرآن از تحریف بیان کرده و همچون سید مرتضی (۳۶۳) و دیگران بر این باورند که قرآن در عصر حضرت رسول اکرم (ص) به همین صورت کنونی جمع و در بین دو جلد تدوین شده است. ابن شهر آشوب (المثالب، ورقه ۴۷۱ نسخه سپهسالار و ورقه ۴۶۸ نسخه لکنهو) در تعرض به اهل سنت می‌نویسد: «به گمان شما، عثمان قرآن را جمع آوری کرد و حال آن که این پندار مخالف آیات قرآن و اخبار است... رسول الله (ص) که هر سال قرآن را بر جبرائیل قرائت می‌کرد و در سال وفات دوبار آن را بر وی قرائت کرد چطور ممکن است قرآنی را که تدوین و تألیف نشده و در مجموعه‌ای مستقل گرد نیامده است بر جبرائیل قرائت کند؟!».

ابن شهر آشوب در کتاب متشابه القرآن و مختلفه (۷۷/۲) نیز دیدگاه صریح و روشن خود را درباره صیانت قرآن از تحریف چنین ذکر می‌کند: «قول درست این است که هر چه در روایات نقل شده مبنی بر این که در قرآن، آیاتی بیش از مصحف موجود می‌باشد، تأویل قرآن است و تنزیل [یعنی: ظاهر الفاظ] قرآن بدون افزایش و کاهش بر جای خود است». بنابراین، ابن شهر آشوب چنین نظری ندارد و باید دید چه کسی این نسبت را به ابن شهر آشوب داده و موجب شده محدث نوری با تعبیر «علی ما حکمی عنه» از وی نقل کند؟ این فرد کسی جز ابو المعالی محمود آلوسی (د ۱۲۷۰ ق.) مؤلف کتاب تفسیر روح المعانی نیست که در مقدمه تفسیرش با صراحت می‌نویسد (۱ / ۴۴): «ابن شهر آشوب مازندرانی در کتاب مثالب گفته است که سوره ولایه از قرآن ساقط شده است...».

نوری در فصل الخطاب از تفسیر آلوسی استفاده کرده است، زیرا می‌نویسد (۱۶۲): «محمود آلوسی معاصر در فایده ششم از مقدمات تفسیرش می‌گوید...».

کتاب تذکرة الائمة از کیست؟

اینک بررسی کوتاهی درباره نویسنده کتاب تذکرة الائمة لازم می‌نماید. برخی این

کتاب را با نام مجلسی به طبع رسانده‌اند (نک. تذکرة الائمة، نشر مولانا) و یا با استناد به این کتاب، اسقاط دو سوره نورین و ولایة را به مجلسی نسبت می‌دهند (خطیب، ۱۲؛ محمد عبد الرحمن سیف، ۱۸) اگر کسی تنها صفحات نخست این کتاب را نگاه کند به این نتیجه می‌رسد که مؤلف کتاب از صوفیه است (نیز نک: امین، ۱۸۲/۹-۱۸۴؛ خوانساری، ۱۱۴-۱۱۸) و شیوه او با شیوه علامه مجلسی کاملاً مغایر است. کسانی که شرح حال مجلسی را نوشته‌اند، هنگام ذکر آثار وی، نامی از این کتاب به میان نیاورده‌اند. (نک. خوانساری؛ امین، همان؛ آقا بزرگ تهرانی، ۲۳/۳۱۹؛ افندی، ۵/۳۹۳).

محدث نوری نیز که کتاب الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی (بحار الانوار، ۱۰۵/۵۳-۵۴) را در شرح حال علامه مجلسی نگاشته، با ادله روشن و شواهد کافی اثبات می‌کند که این کتاب از تألیفات لاهیجی است و عده‌ای به خاطر تشابه اسمی او و پدرش با مجلسی و پدر وی، یعنی محمد باقر بن محمد تقی به این خطا دچار شده‌اند. آغا بزرگ تهرانی (۲۶/۴) نیز درباره شناسنامه کتاب تذکرة الائمة می‌نویسد: «این کتاب درباره تاریخ امامان معصوم تألیف محمد باقر بن محمد تقی لاهیجی به زبان فارسی است که در سال ۱۰۸۵ آن را نگاشته است. وی، به تصریح صاحب کتاب ریاض العلماء که شاگرد مجلسی و استاد در فن شرح حال نگاری است به تصوف گرایش داشته است. بنابراین، انتساب کتاب به مجلسی پنداری است که ناشی از اشتراک نام مؤلف و پدرش با نام مجلسی و پدر وی، رخ داده است.»

مؤلف ریحانة الادب (۵ / ۱۹۵) شبیه به همین تعبیر را درباره کتاب تذکرة الائمة به کار برده است.

حاصل آن که دو سوره نورین و ولایة، و نه سه سوره چنان که عده‌ای پنداشته‌اند، با متنی سست و پریشان که با تلفیق ناشیانه‌ای از آیاتی چند از قرآن با عباراتی مغلوط و سخیف بافته شده هیچ منبع و مدرکی ندارد و اثری از آنها تا پیش از قرن یازدهم نیست، تنها منبع سوره نورین کتاب دبستان مذاهب است. مؤلف این کتاب، اگر هم راست بگوید این اسطوره را به طور شفاهی از قول عده‌ای مجهول نقل کرده است و محدث نوری به نقل از وی در فصل الخطاب آورده و دیگران از نوری گرفته‌اند.

سوره ولایة نیز بنا به ادعای برخی از خاورشناسان در نسخه‌ای از قرآن نگاشته قرن

۱۶ یا ۱۷م. میلادی است؛ نسخه‌ای که هیچ نام و نشانی از آن نیست. دومین مدرک این سوره کتاب تذکرة الائمة، اثر محمد باقر لاهیجی است که وی نیز از منبع و مدرک خود درباره این سوره سخنی به میان نیاورده است و به احتمال زیاد از همان نسخه گرفته و یا از دهان عده‌ایی شنیده و بدون درنگ آن را در کتاب خود وارد کرده است. چون لاهیجی همان طور که خود می‌گوید (۳۶) سفری به هندوستان داشته و لابد در آنجا به این دو سوره آگاه شده است.

با این اوصاف کاملاً غیر منصفانه و بدور از شأن تقوای پژوهش است که گروهی از خاورشناسان و سلفیان، با استناد به این دو افسانه بی‌سند، آنها را سوره‌های قرآنی بنامند و ادعا کنند دست‌اندرکاران تدوین مصحف عثمانی این سوره‌ها را به خاطر وجود فضایل امام علی (ع) در آنها، از قرآن ساقط کرده‌اند و سپس شیعه را با این پندارها، متهم به گرایش به تحریف قرآن کنند.

کتابشناسی

- آشتیانی، محمد حسن، غرر الفوائد فی شرح الفرائد، قم، ۱۴۰۴ق.
- آغابزرگ تهرانی، محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، تهران، ۱۳۴۲ق.
- آقا بزرگ تهرانی - آغا بزرگ تهرانی.
- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن، به کوشش محمد حسن العرب، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- ابن حجر، احمد، لسان المیزان، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ابن حزم، علی، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، به کوشش محمد ابراهیم نصر، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مثالب النواصب، نسخه خطی، کتابخانه مدرسه سپهسالار، شماره ۱۸۴۱، و مکتبة الناصریة لکنهو، شماره ۹۵۲، (فیلم هر دو نسخه در مرکز احیای میراث اسلامی در قم موجود است).
- همو، متشابه القرآن و مختلفه، قم، ۱۴۱۰ق.
- ابن طاووس، علی، سعد السعود، قم، ۱۳۶۳ق.
- اشعری، ابو الحسن، مقالات الاسلامیین، به کوشش سید محمد محیی الدین، بیروت، ۱۴۱۲ق.

- افندی، عبدالله، رياض العلماء و حياض الفضلاء، به كوشش احمد حسيني، قم، ١٤٠١ق.
- الهي ظهير، احسان، السنة و الشيعة. المكتبة السلفية، بي جا، بي تا.
- امين، سيد محسن، اعيان الشيعة، بيروت، ١٤٠٣ق.
- بغدادى، احمد، خطيب، تاريخ بغداد او مدينة السلام، مدينه، بي تا.
- بلاغى، محمدجواد، آلاء الرحمن فى تفسير القرآن، قم، بي تا.
- بياضى، زين الدين عاملى، الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، محمد باقر بهبودى، مكتبة مرتضوية، بي جا، بي تا.
- جارالله، موسى، الوشيعة فى نقد عقائد الشيعة، مطبعة الكيلانى، بي جا، بي تا.
- جلى، احمد محمد احمد، دراسة عن الفرق فى تاريخ المسلمين، رياض، ١٤٠٨ق.
- حاج سيد جوادى، كمال، فهرست واره ايرادات و شبهات عليه شيعيان در هند و پاكستان، تهران، ١٣٧٥.
- حلى، حسن بن يوسف، المسائل المهنائية، قم، ١٤١٠ق.
- خطيب محب الدين، الخطوط العريضة، رياض، بي تا.
- خوانسارى، محمدباقر، روضات الجنات، قم، بي تا.
- دراز، محمد عبدالله، مدخل إلى القرآن الكريم، كويت، ١٣٩١ق.
- الذجوى، يوسف، الجواب المنيف فى الرد على مدعى التحريف فى القرآن الشريف، مصر، ١٣٣١ق.
- ذروزه، محمد عزة، تاريخ قرآن، ترجمه محمد على فشاركى، تهران، ١٤٠١ق.
- دهلوى، شاه عبد العزيز، تحفة اثنى عشرية، تهذيب سيد محمود شكرى آلوسى، به كوشش محب الدين خطيب، قاهره، بي تا.
- سالوس، احمد، مع الشيعة الاثنى عشرية فى الاصول و الفروع، قطر، ١٤١٧ق.
- سليم بن قيس، اسرار آل محمد (كتاب سليم بن قيس)، محمد باقر انصارى، قم، ١٤١٥ق.
- سيارى، احمد بن محمد، كتاب القراءات، نسخة خطى، كتابخانه آية الله مرعشى، شماره ١٤٥٥.
- شهرستانى، محمد حسين، حفظ الكتاب الشريف من شبهة التحريف، بي جا، ١٣٩٥ق.
- شوشترى، قاضى نورالله، مصائب النواصب، تهران، ١٣٩٩ق.
- صدوق، ابو جعفر محمد، رساله فى الاعتقادات، بي جا، ١٤١٣ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، به کوشش محلاتی و طباطبائی، بیروت، ۱۴۰۶ق.

طوسی، ابو جعفر محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۴۰۲ق.
همو، الفهرست، بیروت، ۱۴۰۳ق.

عبد الوهاب، محمد، رسالة فی الرد علی الرافضة، به کوشش دکتر نصار بن سعد الرشید، مکه، ۱۴۰۰ق.

علامه حلی - حلی

قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، ۱۳۷۸ق.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، به کوشش سید طیب موسوی، قم، ۱۴۰۴ق.

قفاری، ناصر، اصول مذهب الشيعة واهل السنة، ریاض، ۱۴۱۸ق.

کسروی، احمد، در پیرامون اسلام، تهران، ۱۳۳۴.

کیخسرو، اسفندیار، دبستان مذاهب، به کوشش رضازاده ملک، تهران، ۱۳۶۲.

گلدزیهر، اینیاس، مذاهب التفسیر الاسلامی، مصر، ۱۳۷۴ق.

لاهیجی، محمدباقر، تذکرة الائمة، نشر مولانا، بی جا، بی تا.

مال الله، محمد، الشيعة و تحریف القرآن، بی جا، ۱۴۰۹ق.

محمدی، فتح الله، سلامة القرآن عن التحریف، تهران، ۱۴۱۲ق.

مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، تهران، ۱۳۶۹.

مرتضی، سید علی بن حسین، علم الهدی، الذخيرة فی علم الکلام، به کوشش سید احمد

حسینی، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.

مشکور، محمدجواد، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم، تهران، ۱۳۶۸.

مفید، محمد، المسائل السروية، صائب عبد الحمید، قم، ۱۴۱۳ق.

مقدسی، ابوشامه، المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، دارالکتب العلمیة،

بی جا، بی تا.

نجاشی، احمد، رجال، قم، ۱۴۱۸ق.

نوری، حسین، فصل الخطاب، چاپ سنگی، بی تا، بی جا.

همو، فیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی (چاپ شده در بحار الانوار، تهران، مجلد

Journal Asiatique, XIII May 1842; XIII December, 1843.

The Moslem world, III, Joly, 1913.

Islamic Philosophy and the Classical Tradition, Cassir, 1972.